نظامنامه، واژه ناشناخته ادبیات روابط عمومی

طلایی، بهروز

اولین مرتبه مفهوم نظم واقعی را در حیطه دبستان و تمرین به‏صف‏ایستادن درک کردم.آنجا بود که دانستم‏ برای ورود به جامعه باید روش‏های معینی را از دفترچه‏ مشق شب تا گواهی فراغت از تحصیل به‏کار گرفت.

از هجاوی حروف تا نوشتن انشاء از رفتن‏ها و نرفتن‏ ها که با تشویق و تنبیه همراه بود،فهمیدم که دبستان ناظم‏ دارد و او مسؤول نظم است و من باید در مدرسه منظم‏ باشم.در دوره دبیرستان باز ناظم بود و نظم و شاگردان‏ منظم با مفهومی بالاتر از قبل.

با شکل‏گیری دوره بلوغ و گذر از شیطنت‏های کودکی‏ رفتارها نیز تغییر بافت و تمرین فهم اجتماعی سخت و سخت‏تر شد.در دوران تحصیل از دبستان تا دانشکده از نظم به سیستم و روش‏های سیستماتیک رسیدم.پایان‏ تحصیل و جشن فارغ‏التحصیلی آغاز جدیدی بود به‏ شناخت گونه‏ای دیگر از نظم به‏نام نظام وظیفه عمومی‏ .در آنجا با ادبیات دیگری آشنا شدم.تمرین نظم برای‏ دورکردن کیش شخصیت‏های غیرواقعی در درون و قدم آهسته‏زدن در میدان صبحگاه برای گرفتن سپاس از فرمانده پادگان.

وقتی‏که فعالیت اجتماعی خود را آغاز کردم و مسؤولیت تامین معاش را برعهده گرفتم آنچه که داشتم‏ و آنچه که بود تفاوت‏های فاحشی پیدا کرد.باورهای‏ درونی در تضاد با واقعیت‏های بیرونی.

فکر می‏کنم اکثرما از این خاطرات فراوان داریم.از دوره طفولیت تا امروز.روزها و شب‏های فراوانی را شبیه به یکدیگر طی کرده‏ایم تا آنچه که باید می‏یافتیم را یافته‏ایم،یا درحال کاوش به یافتن هستیم و یا آنقدر مشغول بوده‏ایم که فرصتی برای کاوش نداشتیم.

مدت‏زمانی قریب به بیش از یک دهه،دنیای ارتباطات‏ و روابط عمومی دغدغه حرفه‏ایم بوده است.زمانی به‏ فرصت یک‏چشم‏برهم‏زدن.انگار همین دیروز بود که‏ مرحوم ملازم باتلاش بسیار به یاری مصطفی تاج‏زاده‏ نخستین سمینار روابط عمومی را باعنوان اولین سمینار مسؤولان روابط عمومی‏های متمرکز در سال 1363 را سازمان داد و زمینه برگزاری نشست‏های ماهانه با عنوان نشست مدیران روابط عمومی را در دولت اول‏ هاشمی را فراهم ساخت تا جایی‏که این برنامه‏ریزی‏ سایر برنامه‏ها داد سال 1368 و 1369 اولین جشنواره‏ روابط عمومی در سال 1370 و غیر و ذالک.

این گذر نیز همانند سایر راه‏ها طی شد و چه زود گذشت.

مدتها است که جمعی از فعالان و علاقه‏مندان کمر همت به اعتلای فرهنگ روابط عمومی بسته‏اند و تلاش‏ در بقاء توسعه که درجای خود سپاس فراوان دارد.

ماحصل تمامی این تلاش‏ها در ثبت به تحریر کتاب، مقاله و پایان‏نامه انجامیده است اما هنوز خلا چشم‏گیری‏ وجود دارد که غفلت از آن موجب سردرگمی‏های امروز است.قطعا همه ما می‏دانیم که در جامعه امروز یا به‏ عبارتی خانواده روابط عمومی چه می‏گذرد که زیاده‏ عرضی نیست.این قافله ره به کجا خواهد برد؟که شاید بر خواص معلوم و بر من غیرخاص نامشخص باشد که‏ طریق ره چیست و چون باید کرد؟

در ابتدای این نوشتار راقم به نظم اشارتی داشت و نحوه آشناشدنش را گفت اکنون می‏خواهم در خانواده‏ روابط عمومی از نظم جویا شوم و از آنچه که نظام و ناظم‏ ،نظم در این خانواده نامیده می‏شود.که آن نکته‏ای که‏ غفلت‏شده همین‏سرمگو است.

ما درطول زندگی آموخته‏ایم که نظم را بشناسیم و بر اساس آن نظام‏نامه‏ای را تدوین نماییم و به اصول آن‏ پایبند شویم تا بتوانیم حرفی برای گفتن در دنیای کنونی‏ داشته باشیم.چه دنیای درونمان و چه دنیای بیرونمان.

کدام‏یک از عناصر علوم را می‏شناسید که بر پایه‏ای‏ از فلسفه بناننهاده شده باشد؟باتوسل به‏همین اصل در شماره 27 ماهنامه از فلسفه روابط عمومی گفته شد و نظرات متفاوتی که دراین‏راستا بدان اشاره شده بود و در همان شماره به این نتیجه رسیدیم تا که به قول‏ پیشینیان ما یک‏دست صدا ندارد.و تا زمانی‏که احساس‏ ضرورت به‏صورت واقعی نمایان نشود درپی چاره‏ نخواهیم بود.امسال را سال پاسخگویی می‏نامند.چه‏ کسی؟چگونه؟چرا؟کجا؟و چه‏وقت؟سوال می‏کند؟ پاسخگو کیست و پرسشگر کدام است؟به‏عنوان فردی‏ که چندین سال در خانواده روابط عمومی زندگی می‏کنم‏ می‏خواهم بدانم.و این کمترین حق من است.

-می‏خواهم بدانم ترسیم الگوی روابط عمومی کشور مبتنی‏بر یک فلسفه باشد برعهده کیست؟

-می‏خواهم بدانم چه‏کسی این الگو را پیشنهاد داده‏ است و آیا تاکنون راجع‏به آن نقدی صورت گرفته یا خیر اگر جواب مثبت است در کجا بیایم؟

-می‏خوایم بدانم معیارهای واقعی روابط عمومی‏ چیست؟و چگونه این معیار را می‏توان سنجید.

-می‏خواهم بدانم که نظام روابط عمومی بر چه پایه‏ای‏ از...

و خواستن‏های دیگر که مدت‏هاست فکر مرا مشغول‏ به‏خود کرده است.

آیا این‏همه تراوشات ذهنی و کلمات گفتاری و رفتارهای عینی،نوشتارهای کوچک و بزرگ محلی برای‏ پیدایش نظام‏نامه روابط عمومی کشور ندارد؟عزیزان‏ اهل علم و قلم که در خانواده روابط عمومی زندگی می‏ کنند باید پاسخگو باشند.این کمترین ظرفیت مسؤولیت‏ است.

آیا یافته‏های گذشته و داشته‏های کنونی با چشم‏انداز آینده نمی‏تواند مرجعی برای نگارش یک نظامنامه باشد؟ ساده‏انگاریست که فرض کنیم بدون داشتن نظام‏نامه‏ می‏توان به سنجش و معیار رسید.هر قاعده علمی و آکادمیک بر فلسفه خویش استوار است و با شناخت‏ فلسفه می‏توان به اصل پی‏برد و برمبنای آن اصول فرعی‏ را ترسیم کرد.فلسفه چیزی است که از یک‏جا شروع و در یک‏جا تمام میشود.یعنی قابلیت اندازه‏گیری دارد.نمی‏ توان هر سلیقه‏ای را به‏نام تفکر به خلق ال...تحمیل کرد که اگر چنین باشد آش همین آش است و کاسه همین کاسه‏ و ملغمه فعلی.در نگاهی اجمالی به بافت جامعه روابط عمومی امروز ضرورت را درخواهیم یافت که اسباب‏ نظم را فراهم آورده و در جای‏جای زندگی ما جاری است. تنها کافی است اندکی نامل شود.نظام خانوادگی، آیا در روابط عمومی این کشور نظام‏ وجود دارد؟و یا هرچه هست آزمون‏ها و خطاهاست که گاهی تکیه بر علوم غربی‏ است که چند است و چون و گاهی سوار بر روابط عمومی ارزشی و گاهی روابط عمومی الکترونیکی.

ترافیکی،نظام اداری،نظام پزشکی،نظام مهندسی،نظام‏ حقوقی،نظام آموزشی،نظام نظارتی و نظام...

آیا در روابط عمومی این کشور نظام وجود دارد؟و یا هرچه هست آزمون‏ها و خطاهاست که گاهی تکیه بر علوم غربی است که چند است و چون و گاهی سوار بر روابط عمومی ارزشی،گاهی سوار بر ورابط عمومی‏ آرمانی و این اواخر سوار بر روابط عمومی الکترونیکی‏ که چون هنوز قاچ‏زین را نچسبیده‏ایم،تکلیف سوار معلوم است.

تمام این داده‏ها را جمع کنیم قول می‏دهیم که نه یک‏ خط از آن بکاهیم و نه یک‏جمله بدان بیافزاییم و از سر ارادت به تمام زحمتکشان این مقام سر فرود می‏آوریم باید مشخص شود که این یافته‏ها زمانی‏که‏ دارای قاعده‏ای شده و براساس آن قاعده رفتار شد، دارای شاخص رفتاری می‏شود وگرنه اصواتی بیش‏ نیست و کلافی سردرگم که هرکس به‏مقدار میل و سهم‏ خود از آن برداشت خواهد کرد.

تکلیف چیست؟مکلف کیست؟آیا باید منتظر ماند تا بالاخره همه‏چیز خودبه‏خود درست شود؟یا اینکه‏ تلاش،همت،و آستین را بالازدن را در اولویت‏ها قرار داد.

به‏قصد نقادی صرف بر این موضوع نیستیم.می‏ خواهیم با بیانی ساده به مفهومی واقعی برسیم.چاره‏ کار جز یک هم‏اندیشی نیست.متولیان،مسوولان، کارشناسان و اساتید بدون خطکشی‏های مرسوم به‏ حدیث نفس،گرد هم آیند و بر یافته‏های یکدیگر احترام‏ بگذاریم.بر پیش‏کسوتان حرمت نهیم و بر صاحبنظران‏ جدید خیر مقدم گوییم.همایشی را تدارک ببینیم و در آن‏ از متفکران دعوت به حضور به‏عمل آوریم.روابط عمومی‏ها را دسته‏بندی کنیم و در حاشیه همایش میز گردهایی را تدارک ببینم و فعلیت‏های روابط عمومی‏ها را نقدوبررسی کنیم.یافته‏ها را به مرتبطین مجموعه‏ روابط عمومی اعم از مراکز آموزشی،پژوهشی،علمی و کاربردی و انجمن‏ها و...ارایه کنیم و بر آن‏اساس‏ خواهان نظرات این گروه شویم.تمامی نظرات ارایه‏شده‏ در یک قالب مشخص به ادارات کل ارشاد اسلامی استان‏ های سراسر کشور ارسال شود تا یافته‏های برون از مرکز تهیه و نمودار شود.ماحصل این تلاش به همت‏ معاونت مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به وزیر ارایه شود تا با همکاری سازمان‏ مدیریت و برنامه‏ریزی،بحث و بررسی کارشناسانه در دستور اجرا قرار گیرد.

آن‏زمان می‏توان اداعا داشت روابط عمومی دارای‏ جایگاهی منطقی شده است و براساس نظام‏نامه‏ مشخص رفتار خواهد کرد.

چنین حرکتی مدت‏زمانی درحدود یک‏سال کار کارشناسی نیاز دارد تا تمامی دست‏اندرکاران این حیطه‏ شناسایی شوند و نقطه‏نظرات خود را ارایه دهند.بر این‏ اساس می‏توان به یافته‏های ذیل دست‏یافت.

1-بررسی عملکرد روابط عمومی از بدو فعالیت تا امروز

2-شناسایی تمامی استادان،کارشناسان و کارورزان روابط عمومی

3-مشخص‏شدن نظام آموزشی و لازمه‏های آن در برنامه‏های توسعه کلان کشور

4-دسترسی به پتانسیل واقعی روابط عمومی‏ در کشور

5-تجهیز منابع و اطلاعات به‏صورت تشکیل یک بانک‏ دوسویه بین سرمایه‏گذاران و مخاطبان

6-اتصال اجزاء روابط عمومی به شبکه اصلی

7-تنظیم و تدوین نظام‏نامه روابط عمومی برمبنای‏ یافته‏های موجود و ایجاد زمینه برای کاهش یا افزایش‏ موارد آتی این مبحث.